

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرامرز دادور
۰۵ جنوری ۲۰۲۱

نگاهی به روند مبارزات برای دموکراسی و سوسیالیسم

آنچه در مقابل اکثریت مردم جهان و ایران که خواهان دموکراسی و عدالت اقتصادی و اجتماعی هستند، قرار دارد، مسأله چگونگی عبور از نظامهای خودکامه و طبقاتی و شکل گیری بلافاصله اولین شکل از مناسبات دموکراتیک و عادلانه سیاسی و اجتماعی می باشد. در بین کنشگران خواهان تغییرات آزادیخواهانه و عادلانه، روشهای مبارزاتی گوناگون و استقرار گزینه های متفاوت ساختاری ارائه می گردد. به ویژه در میان طیف چپ نیز ایده های متنوع وجود دارند. در این نوشته، از نقطه نظر یک چپ آزادیخواه به اهمیت مبارزات جنبشهای مردمی و ضرورت دموکراتیک بودن تحولات رادیکال و انقلابی به خصوص در ایران پرداخته می شود.

افراد و جریانات سوسیالیستی مخالف سرمایه داری و مدافع مناسبات غیر ستم گرانه اجتماعی، شیوه های متفاوتی را برای عبور از جمهوری اسلامی تبلیغ می کنند. بخش غالب نظرگاه در میان چپ "سنتی" بر آن است که ستراتیژی درست برای مبارزه با رژیم، می بایست در راستای پیروزی انقلاب بلافاصله "پرولتری" و ایجاد نظام "سوسیالیستی" و در واقع استقرار روابط اقتصادی عمدتاً مبرا از کار مزدوری و قانون ارزش تلاش نماید. اما، مشکل عمده در برابر این خط فکری اینست که در صورت اعتقاد به آزادیهای دموکراتیک و حقوق بشری، آیا چگونه پیشبینی می گردد که اکثریت توده ها به ویژه کارگران و زحمتکشان، آگاهانه و با شناخت کافی نه تنها خواهان عبور از شرایط استبدادی کنونی هستند، بلکه در عین حال به حرکت منسجم و سراسری به سوی مناسبات مقید به موازین مشخص سوسیالیستی نیز معتقد می باشند. بدیهی است که سازماندهی در راستای تحقق سوسیالیسم به آمادگی ذهنی اکثریت مردم و اعتلای عوامل عینی در جامعه بستگی زیاد دارد. در اینجا نظر بر این است با این که شرایط مادی/تکنولوژیک و روبنای حقوقی و اجتماعی جهت عبور از سرمایه داری به سوی جامعه انسانی تر وجود دارند، اما با توجه به وجود تنوعی از انگیزه ها و اندیشه های متفاوت فردی و اجتماعی، به ویژه در جوامع توسعه یافته و از جمله در ایران، هنوز در برابر شکل گیری گسترده و منسجم فکری برای ایجاد تحولات رادیکال ساختاری، موانع بیشماری وجود دارند. در واقع به احتمال زیاد، مسیر سیاسی در دوران گذار به مناسبات عاری از هرگونه ستم اقتصادی و اجتماعی، به تنوعی از اندیشه های آزادیخواهانه گرچه دارای عناصر دموکراسی خواهانه و عدالتجویانه آغشته خواهد بود.

در ایران، تحت استیلای نظام تئوکراتیک، سرکوبگر و فاسد، اکثریت مطلق مردم با خفقان سیاسی و اجتماعی، فقر و ناعادالتی ژرف اقتصادی روبه رو هستند. خلاف جوامع پیشرفته و نسبتاً دموکراتیک، گرچه هنوز سرمایه داری که

سطحی از آزادیهای مدنی رعایت می گردد، جامعه ایران با اختناق وحشتناک پولیسی و چپاول عمیق اقتصادی مواجه است. البته طیفهای حکومتی و سرمایه دارهای بوروکرات و تجاری وابسته به آن که صاحب و یا نظارت گر بر عمده مجتمع ها و نهادهای اقتصادی نیز می باشند، تحت حمایت نیروهای امنیتی و به ویژه سپاه پاسداران، از اختیارات امنیتی و سیاستهای سرکوب گرانه علیه اکثریت توده ها برخوردار هستند. شواهد نشان می دهند که مضمون اعتراضات مردم و از جمله کارگران، زنان و جوانان عمدتاً علیه استبداد و فقر و در راستای مطالبات مربوط به رفاه اقتصادی و آزادیهای دموکراتیک و اجتماعی می باشد. جنبش کارگری در سطح وسیع تولیدی و خدمات همواره در حال اعتصاب و اعتراض بوده و در سالهای اخیر تعداد حرکتهاى معترضان هزاران بار بوده است. کارگران در شرکتهاى گوناگون و از جمله در کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، هپکو و صنایع کیمیائی همواره در تظاهرات بوده اند. همچنین معلمان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان، روزنامه نگاران و دیگر افشار کارگری و اجتماعی به دفعات مکرر در محیط کار و اماکن عمومی به اعتراضات جمعی خیابانی دست زده اند. این افشار و طیفهای مردمی که وسیعاً به طبقات و افشار زحمتکش و محروم تعلق دارند، عمدتاً به تداوم اختناق سیاسی و اجتماعی و نیز به وضعیت افسار گسیخته معیشتی و فقر، تعویق چند ماهه پرداخت مزد، اخراج و بیکاری گسترده، تورم و گرانی، ناامنی شغلی و خصوصی سازی مخرب در مؤسسات اقتصادی و آموزشی و الزام کودکان به کار اقتصادی معترض هستند. آنها برای خواستهای عمومی مانند ایجاد تشکلات مستقل کارگری و مردمی، نهادینه شدن آزادیهای دموکراتیک، رفع تبعیضات جنسیتی و ملیتی، حق انتخاب در پوشش، برخورداری از حقوق اولیه اقتصادی برای بازنشستگان و محرومان و برابری حقوق زنان و مردان در ازای تولید ارزش یکسان اجتماعی مبارزه می کنند. اما حکومتگران آنها را به اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور سرکوب می کنند و جنبش معترض مردمی با برخوردای پولیسی، احکام قرون وسطائی شلاق، زندان و گاهی اعدام مواجه است.

خواسته های اصلی طرح گردیده از سوی جنبشهای مردمی به طور کلی در زمینه های آزادیخواهی و برابری سیاسی- اجتماعی و عدالتجویی اقتصادی می باشد. البته، اهم این مطالبات هنوز بر پایه تفکر خاص فلسفی/اجتماعی و از جمله ایده های سوسیالیستی شکل نگرفته اند. به غیر از بخش کوچکی از کوشندگان اجتماعی و کارگری که از شناخت و آگاهی رادیکال و سمتگیرنده در راستای عبور نه فقط از جمهوری اسلامی بلکه همچنین از سرمایه داری هستند؛ اکثریت فعالان کارگری و مدنی عمدتاً با درجات متفاوت علیه ناعدالتی و برای نیل به مطالبات عام صنفی و گاه دموکراتیک تلاش می ورزند. اگر هر از گاهی شعارهایی مانند " نان، کار، آزادی و اداره شورائی " از سوی برخی از کادرهای کارگری در حین اعتراضات شنیده می شود دلیل بر این که بخش قابل ملاحظه ای از جنبش کارگری به چنین ایده های رادیکال و ارائه گزینه های غیر سرمایه داری رسیده اند، نمی باشد وگرنه در صورت وجود دموکراسی و شناخت گسترده توده ای و امکان سازماندهی وسیع اقتصادی و سیاسی در بین جنبش کارگری و زحمتکش، امکان حرکت جهت عبور از سرمایه داری به سوی جامعه شورائی و ایده آل انسانی در مقطع کنونی محتمل بود.

روشن است که با توجه به وضعیت کنونی و نبود وجود سطحی از آزادیهای دموکراتیک، مشکل است که در لایه لای مبارزات مطالباتی که حداقل در میان طیفهایی از توده های مردم و به ویژه کارگران در حین مشارکت در تجمع های متنوع اجتماعی انجام می شود، زمینه های مشخص تر فکری برای رویارویی با مشکلات سیاسی و اجتماعی و در آن راستا شکلگیری بدیلهای رادیکالتر برای سازماندهی جامعه پدیدار گردد. واقعیت این است که تحت استیلای اختناق سیاسی و سرکوب شدید فعالیتهاى اجتماعى، تنها روزنه هاى از مطالبات عام صنفی و مطالباتی و عمدتاً عاری از چالشگری عریان سیاسی از سوی برخی از کنشگران مطرح میگردد. برای مثال یکی از فعالان کارگری، اسماعیل

بخشی در پیغام همبستگی با کانون صنفی معلمان که بصورت کلیپ ویدیویی پخش گردید، بدون اینکه (ناچار) آشکارا به سرکوبهای حکومتی اشاره نماید، تنها بر ضرورت ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و اجتماعی از جمله اتحادیه، سندیکا و شورا برای کمک به بهبودی عمومی وضعیت کارگران تاکید نمود.

با اینکه اعتراضات علیه اختناق و چپاول اقتصادی، بخودی خود عناصری از نقد بر استبداد فقهاتی و مناسبات استثماري سرمایه داری را حمل میکنند اما بدلائل گوناگون که عمدتا ناشی از وضعیت سیاسی و اجتماعی است، همانطور که در پاراگراف قبل اشاره گردید از جهتگیری بارز برای عبور از سرمایه داری در راستای نیل به روابط فرموله شده عاری از استثمار و ستم (سوسیالیسم) برخوردار نیست. حتی در کشورهای نسبتا دموکراتیک، از جمله در اروپا، امریکا و هندوستان نیز ایده های مشخص سوسیالیستی برای سازماندهی در میان اکثریت جامعه هنوز شکل نگرفته است. البته با توجه به ساختار سیاسی و فرهنگ موجود، بسیاری از موازین مدنی و دموکراتیک بدست آمده در عرصه سرمایه داری زمینه های اولیه را برای پیشرفت بسوی سوسیالیسم تشکیل میدهند و آنها بدرستی در صدر تلاشهای جنبشهای مترقی مردمی میباشند. در این رابطه مبارزه برای ایجاد تغییرات دموکراتیک در ساختار سیاسی (ب.م. نهادهای شدن حق رای عمومی و ارزشهای جهانی حقوق بشر)، کنشگری علیه تبعیضات جنسیتی، نژادی و ملیتی و تلاش برای گسترش مزایای اقتصادی و اجتماعی مانند ارتقای حداقل دستمزد و ایجاد تحصیل مجانی، بیمه بیکاری و بیمه درمان از جمله حرکتیهای مردمی در راستای طولانی مدت به سوسیالیسم میباشند.

در واقع موضوع اصلی در برابر جنبش چپ این است که اگر عموم مردم در جهان، به ویژه در جوامع توسعه یافته مانند ایران هنوز آگاهانه و با شناخت لازم و کافی به گذار از نظام موجود به مناسبات اقتصادی-اجتماعی رادیکال (انجام انقلاب اجتماعی) معتقد نیستند و فقط در تعداد معدودی از کشورهای دنیا (مشخصا در اروپا و امریکای لاتین)، علی رغم دخالتها و فشارهای سیاسی از سوی نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی، سمتگیری سوسیالیستی با مشارکت داوطلبانه بخش هایی از توده ها آغاز گردیده؛ در اینصورت استراتژی مبارزاتی چه ابعادی میتواند داشته باشد. در اینجا میتوان به وجود جنبشهای مردمی در سراسر جهان اشاره نمود که در رابطه با محدودیتها و نیازهای مشخص سیاسی و اجتماعی ظهور نموده اند. در میان خسیصه های رایج در میان این جریانات، ضدیت توده ها با نخبگان سیاسی و اقتصادی و بویژه دارندگان مقامات حکومتی مهم هستند. برخی از حرکتیهای پوپولیستی، دست راستی هستند که عمدتا بر روی محور ایده های افراطی ناسیونالیستی و برتر جویانه و در حیطه سیاسی ایجاد گشته از سوی شخصیتهایی مانند داندل ترامپ در امریکا شکل گرفته اند. اما بیشتر جنبشهای مردمی که حامل عناصری از پوپولیسم نیز هستند بویژه در جوامع توسعه یافته، مترقی بوده و سمتگیریهای دموکراتیک دارند. از جمله اینکه آنها عمدتا در مخالفت با ستمها و ناعدالتهای اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته، خواستار نفی قدرتهای نخبه گرانه سیاسی و اقتصادی در دولت و جامعه میباشند. در امریکا که سالهای اخیر دچار تحولات سیاسی متناقض شده است، از سوئی یک شخصیت ارتجاعی و خویشتن پرست مانند داندل ترامپ به ریاست جمهوری انتخاب گردید و از سوی دیگر جنبش متنوع مردمی حول محور مطالبات اقتصادی (ب.م. ارتقای حداقل دستمزد به ۱۵ دلار و پرداخت حق بیکاری)، اجتماعی (ب.م. درمان مجانی همگانی) و ضدیت با نژاد پرستی و خشونت پلیسی تقویت گردیده است.

واقعیت این است که در امریکا و برخی از سایر کشورهای نسبتا دموکراتیک، برخی جریانات نژاد پرست و راست و از جمله طیف مدافع ترامپ، برخی از کادرهای حزب جمهوریخواهان و فعالان تی پارتی به وجود مشکلات گاهی واقعی در مقابل مردم، بدون ریشه یابی و ارائه راهکارهای مترقی، دامن زده اند. در جائیکه از سیاستهای ارتجاعی کورپریشنها در تعمیق استثمار و ستم بر مردم طفره میروند در عوض مهاجران و اقلیتهای نژادی و مذهبی در زیر

ضربه قرار میگیرند. در نبود جنبشهای قدرتمند و دارای راهکارهای متری و عملی، بخشی از توده های کارگری و زحمتکش نیز به ایده های آنها جذب گردیده اند. در امریکا بخش قابل ملاحظه ای از اعضای اتحادیه های کارگری به ترامپ رای داده اند. بنابراین، در مقابل جنبش مردمی و بویژه فعالان چپ وظایف زیادی قرار دارد و در حالیکه در امریکا نزدیک به ۵۰ میلیون از کارگران، زحمتکشان و محرومان از بیکاری، فقر و نداشتن بیمه بیکاری و درمان رنج میبرند، نیاز فراوان است که در میان آنها برای سازماندهی و گرویدن به تشکلهای کارگری و اتحادیه و در واقع ارتقاء سطح شناخت و آموزش سیاسی و اجتماعی تلاش گردد. تقویت جنبش کارگری و مردمی به وجود سازمانهای متری و چپ نیازمند است و جریانهای مانند سوسیالیستهای دمکراتیک امریکا (حدود ۸۵۰۰۰ عضو) با مرکزیت برنی سندرز، بِلک لایوز مَتر (زندگی سیاهان اهمیت دارد) و برخی از اتحادیه های و گروه های متری مانند "کارگران متحد الکتریک" و "اکسیون مردمی" با درجات متفاوت در عرصه های انتخاباتی و همچنین در محیط کار و خیابان به مبارزات دمکراتیک، ضد فاشیستی، عدالتجویانه و برای بهبودی محیط زیست و مقابله با خطرات ناشی از تولید بی رویه گاز کربن دامن میزنند.

در برخی از کشورهای امریکای لاتین تحولات متری با سمتگیری سوسیالیستی تقویت گردیده است. در سال گذشته در بولیوی سوسیالیستها دوباره در انتخابات ریاست جمهوری پیروز گردیدند. در ونزوئلا طرفداران سیستم متری بولیواری در انتخابات پارلمانی رای بیشتری آوردند و در شیلی مردم قادر شدند که قانون اساسی متری تری را تصویب کنند. کشورهای چپگرای امریکای لاتین (۱۰ کشور) در چارچوب "اتحادیه مقاومت" به سیاستهای توسعه یابنده عادلانه دامن میزنند. در اروپا نیز جنبشهای متری و سوسیالیستی توانسته اند که در برخی از کشورها برنامه های متری و مردمی را تقویت نمایند. در اسپانیا، گروه های چپ در برخی سمتهای مدیریتی هستند. در هندوستان، دولت محلی در ایالت کِرا لا تحت حکومت جبهه دمکراتیک چپ توانسته است که در شرایط زندگی توده های زحمتکش و محروم بهبودیهای زیادی فراهم آورد و بلحاظ مواد غذایی و درمانی و بویژه مبارزه علیه ویروس کورونا به یاری ۳۵ میلیون جمعیت در این ایالت بشتابد. مسئله مهم اینست که در این کشورها مبارزات مردم تحت رهبری جنبشهای متری و برخی با سمتگیری سوسیالیستی و عمدتا در چارچوب سیاستهای چپگرا و البته هنوز بدون داشتن ایده ها و فرمولبندیهای معین ضد سرمایه داری و بدون ارائه بدیلهای مشخص سوسیالیستی در جریان است.

اما در ایران مانند دیگر کشورهای تحت ستم سیاسی و استثمار اقتصادی، معضلات بسیار سیاسی و اجتماعی از حرکت علنی و سازمان یافته بسوی سوسیالیسم جلوگیری میکنند. گرچه بحران عمیق ساختاری، درجه پایین رشد اقتصادی و انفجار عظیم در سطح بیکاری گریبانگیر جهان کنونی سرمایه داری و بویژه جوامع توسعه یافته مانند ایران میباشد و در برابر جمعیت دنیا تغییر بنیادی در سیستم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ضروری است، اما در بیشتر این کشورها و مشخصا ایران تداوم کنترل خفقان آور پلیسی به چالش عظیمی در برابر جنبشهای رهائی آور و عدالتجوی مردم تبدیل گشته است. آنچه که نیازش حیاتی است شکلگیری اپوزیسیون مردمی، ترجیحا به رهبری جنبش کارگری و زحمتکش با سمتگیری سوسیالیستی میباشد تا با تکیه بر پایگاه وسیع توده ای در جهت هدایت خیزشهای مردمی بسوی پیروزی انقلاب دمکراتیک و در صورت امکان تدریجا ظهور مشارکت مستقیم و شبکه ای (ب.م. شورائی، انجمنی و کمیته ای) مردم در راستای نهائی نمودن انقلاب اجتماعی و ایجاد جامعه انسانی عاری از هرگونه ستم و استثمار عملی گردد.

۲۷ دسمبر ۲۰۲۰